



نوع مقاله: پژوهشی
دوره ۱، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۴
دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۱۵ - پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۰۴

مرور زمان دعاوی راجع به چک در رویه قضایی

✉ Saeed.johar@yahoo.com

سعید جوهر

قاضی دادگستری، دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی (سیرجان)، سیرجان، ایران

چکیده: مرور زمان، مدت زمانی است که پس از سپری شدن آن، دعوا به شرط ایراد خواننده در محاکم شنیده نمی‌شود. مرور زمان را می‌توان قاعده عمومی در حقوق تجارت دانست؛ چرا که در مورد بیشتر دعاوی و موضوعات تجاری پیش‌بینی شده است. در مورد وجود مرور زمان‌های تجاری و قابلیت استناد به آن برخلاف مرور زمان‌های مدنی، تردید جدی‌ای وجود ندارد و اکثر حقوق‌دانان به وجود و قابلیت استناد به مرور زمان‌های تجاری تأکید می‌کنند. مرور زمان، امری مربوط به دعواست اما مرتبط با حقوق ماهوی طرفین نیز است. برابر ماده ۳۱۴ قانون تجارت ۱۳۱۱ صدور چک در هر حال عملی تجاری محسوب نمی‌شود اما مرور زمان دعاوی تجاری برابر ماده ۳۱۸ همان قانون، شامل چک نیز می‌شود. قلمرو مرور زمان در مورد چک و قابلیت استناد به آن از مباحث چالشی در رویه قضایی است. این تحقیق مبانی مرور زمان تجاری را بررسی کرده است و قابلیت استناد به مرور زمان در دعاوی مطالبه چک را در رویه قضایی مورد بررسی قرار می‌دهد و بر این فرض استوار است که مرور زمان دعاوی تجاری پابرجا و قابل استناد است و در مورد چک نیز با قیود و شرایطی در رویه قضایی مورد قبول واقع شده است.

واژگان کلیدی: مرور زمان، چک، رویه قضایی، مطالبه وجه

استناد: جوهر، سعید. (۱۴۰۴). مرور زمان دعاوی راجع به چک در رویه قضایی. دوفصلنامه رویه قضایی،

۱ (۲)، ۶۳-۷۹.

<https://doi.org/10.22034/juris.2025.2057092.1031>

© نویسنندگان.

ناشر: دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.



مقدمه

مرور زمان^۱ مدنی عبارت است از مدتی که پس از آن، دعوا، به شرط ایراد خواننده، قابلیت استماع نخواهد داشت. این تعریفی است که ماده ۷۳۱ قانون قدیم آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ از مرور زمان ارائه داده بود؛ اما قانون اخیر به موجب ماده ۵۲۹ قانون جدید آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹^۲ منسوخ اعلام شد و در قانون جدید آیین دادرسی مدنی راجع به مرور زمان بحثی به میان نیامده و مقرره‌ای به آن اختصاص نیافته است. شورای نگهبان، در نبود مقررات قانونی در خصوص مرور زمان، این تأسیس حقوقی را غیرشرعی اعلام نمود و منسوخ اعلام کرد؛^۳ در نتیجه در حال حاضر در دعاوی حقوقی، ایراد مرور زمان، قابلیت استماع ندارد و چنین دعاوی‌ای در هر زمان توسط محاکم شنیده و رسیدگی می‌شوند. بر همین اساس، برخی معتقدند قاعدتاً مرور زمان‌های قانون تجارت نیز نسخ ضمنی شده‌اند (صقری، ۱۳۹۴: ۳۱۳). اما طبق نظریه شماره ۷/۳۶۵۴ اداره کل حقوقی قوه قضائیه، منسوخ شدن مرور زمان خاص امور حقوقی است و در خصوص موضوعات تجاری قابل اعمال نیست؛^۴ بنابراین با اینکه در نظام حقوقی ایران، مواد مرور زمان در دعاوی حقوقی در آیین دادرسی مدنی حذف شده است، در خصوص دعاوی مربوط به اوراق تجاری، مرور زمان‌های خاص به قوت خود باقی است. (عبدی‌پورفرد، ۱۳۹۶: ۱۶؛ شمس، ۱۳۸۷: ۱۶؛ عرفانی، ۱۳۹۵: ۳۸۷) در نتیجه، ایراد مرور زمان موضوع قانون تجارت باید در دادگاه‌ها مورد توجه قرار گیرد (اسکینی، ۱۳۹۴: ۱۴۶). ماده ۳۱۸ قانون تجارت اشعار می‌دارد: «دعاوی راجعه به برات و فته طلب

1. Limitation of Action (En) / Prescription (Fr)

۲. ماده ۵۲۹ قانون جدید آیین دادرسی مدنی صریحاً قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۱۸ را نسخ کرده است. برابر ماده ۵۲۹: «از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، قانون آیین دادرسی مدنی مصوب سال ۱۳۱۸ و الحاقات و اصلاحات آن و مواد ۱۸، ۱۹، ۲۱، ۲۳، ۲۴ و ۳۱ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب سال ۱۳۷۳ و سایر قوانین و مقررات در موارد مغایر ملغی می‌گردد.»

۳. نظریه شماره ۷۲۵۷ مورخ ۱۳۶۷/۱۱/۲۷ شورای نگهبان قانون اساسی: «مواد ۷۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی به بعد در مورد مرور زمان در جلسه فقهای شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت و به نظر اکثریت فقهای شورا، مواد مزبور که مقرر می‌دارد پس از گذشتن مدتی (ده سال - بیست سال - سه سال - یک سال و غیره) دعوی در دادگاه شنیده نمی‌شود، مخالف با موازین شرع تشخیص داده شد.»

۴. نظریه مشابهی از طرف اداره کل حقوقی قوه قضائیه به شماره ۲/۹۶/۲۵۵۵ مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۲۵ به این شرح صادر شده است: «هر چند در قانون آیین دادرسی دادگاه‌ها در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ مرور زمان پیش‌بینی نشده و مطابق نظریه شماره ۷۲۵۷ مورخ ۲۷/۱۱/۱۳۷۱ شورای محترم نگهبان، موضوع مرور زمان در دعاوی حقوقی منتفی شده، ولی در مواردی که به موجب قوانین خاص در امور حقوقی مرور زمان پیش‌بینی شده است، از جمله مقررات قانون تجارت (ماده ۳۱۸ قانون مزبور) مادام که نسخ نشده باشد، مرور زمان به قوت خود باقی است.»

و چک که از طرف تجار یا برای امور تجاری صادر شده پس از انقضای پنج سال از تاریخ صدور اعتراض نامه و یا آخرین تعقیب قضایی در محاکم مسموع نخواهد بود مگر اینکه در ظرف این مدت رسماً اقرار به دین شده باشد که در این صورت مبدأ مرور زمان از تاریخ اقرار محسوب است. در صورت عدم اعتراض مدت مرور زمان از تاریخ انقضاء مهلت اعتراض شروع می‌شود. و در تبصره همین ماده می‌خوانیم: «مفاد این ماده در مورد بروات و چک و فته طلب‌هایی که قبل از تاریخ اجرای قانون تجارت مصوب ۲۵ دلو ۱۳۰۳ و ۱۲ فروردین و ۱۲ خرداد ۱۳۰۴ صادر شده است قابل اجرا نبوده و این اسناد از حیث مرور زمان تابع مقررات مربوط به مرور زمان راجع به اموال منقول است.» برابر ماده ۳۱۹ همین قانون: «اگر وجه برات یا فته طلب یا چک را نتوان به واسطه حصول مرور زمان پنج سال مطالبه کرد، دارنده برات یا فته طلب یا چک می‌تواند تا حصول مرور زمان اموال منقوله وجه آن را از کسی که به ضرر او استفاده بلاجهت کرده است مطالبه نماید.»

علت استناد به مرور زمان در دعاوی تجاری این است که تجار به علت سرعت در فعالیت‌های و معاملات خود تمایل دارند به سرعت از دیون خود مطلع شوند و آن‌ها را پرداخت کنند. (ستوده تهرانی، ۱۳۸۶: ۱۸۴) تاجر نمی‌تواند زمانی طولانی منتظر بماند که دارنده سند تجاری دین خود را مطالبه کند. پس قانون‌گذار تجاری به درستی مهلتی برای طرح دعوا و مطالبه پیش‌بینی کرده است. با توجه به گسترش استفاده از چک به عنوان ابزار پرداخت، تمرکز اصلی این تحقیق بر سند چک است. مسئله اصلی و اساسی این است که نحوه عمل دادگاه‌ها در مورد ایراد مرور زمان در چک چیست؟ در واقع، اگر خواننده دعوا نسبت به خواسته مطالبه وجه چک، ایراد مرور زمان تجاری را مطرح کرد، دادگاه‌ها چه تصمیمی باید اتخاذ کنند؟ پیش از بررسی رویه عملی محاکم در این مورد، لازم است مبانی مرور زمان تجاری مورد بررسی قرار گیرد و تفاوت آن با نهادهای مشابهی مانند موعد و مهلت مطرح شود.

۱. فلسفه مرور زمان

قاعده مرور زمان در شکل کنونی آن، معلول رشد فزاینده جمعیت و حجم انبوه دعاوی در مراجع قضایی و ماهیت متنوع و پیچیده مسائل حقوقی و در نتیجه روند رسیدگی به آن‌هاست که خود متأثر از روابط اجتماعی و فن‌آوری جدید است که نظم جدیدی را در ساختار نظام قضایی طلب می‌کند (دیلمی، ۱۳۸۴: ۷). فلسفه مرور زمان را دو مورد ذکر کرده‌اند: یکی حفظ نظم عمومی و دیگری اماره اعراض از حق. براساس مبنای حفظ نظم عمومی، با سپری شدن مرور زمان، نظم عمومی ایجاب می‌کند که دینی بر ذمه مدیون باقی نماند (شهیدی، ۱۳۸۶: ۲۲۵)؛ در غیر این صورت اشخاص همواره در معرض دینی هستند که ممکن است زمان زیادی از آن گذشته باشد. در نتیجه

برای حفظ نظم عمومی و امنیت در معاملات، به مرور زمان استناد می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۵۵۴). بر طبق این مبنا، مرور زمان، منتهی به ابرای ذمه مدیون نمی‌شود، بلکه مانع از استماع دعوا در مراجع قضایی می‌گردد. در واقع از تعریف مرور زمان منسوخه در قانون آیین دادرسی مدنی می‌توان فهمید که مرور زمان نهادی است مربوط به دعوا و نه حق. بی‌گمان اسقاط دعوا، حق را ناقص می‌کند اما از بین نمی‌برد (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۵۵۰) بر این اساس، در دیون تجاری در صورت استناد به مرور زمان، دین از بین نمی‌رود، بلکه به صورت دینی مدنی در می‌آید و به استناد اسناد تجاری نمی‌توان آن را مطالبه کرد (اسکینی، ۱۳۹۶: ۱۵۰).

عده‌ای دیگر بر این عقیده‌اند که پس از طرح دعوا و به استناد مرور زمان، اصل حق مورد خدشه قرار می‌گیرد و اساساً حقی برای مطالبه وجود ندارد. در نتیجه، مرور زمان اماره‌ای بر اعراض از حق است و اعراض از دینی که بر ذمه کسی است، موجب بری‌الذمه شدن وی می‌شود (شهیدی، پیشین: ۲۲۴). طبق این نظر، در دین مربوط به چک، پس از حصول مرور زمان دین ساقط می‌شود و امکان مراجعه به هیچ یک از مسئولان اصلی و فرعی سند مزبور نیست.

در هر حال با توجه به اینکه انجام فعالیت‌های جدید تجاری می‌طلبد که تاجر از دعاوی و امور گذشته فارغ شود، نظم عمومی تجاری ایجاب می‌کند که دعوا پس از سپری شدن مدت مشخصی، قابل استماع نباشد وگرنه اصل حق وجود خواهد داشت و هیچ گاه از بین نمی‌رود. بنابراین مرور زمان دعاوی تجاری امری مطلوب است و باعث حفظ نظم تجاری در زمینه اسناد تجاری می‌شود؛ چرا که تنظیم برنامه اقتصادی صحیح، لزوم فراغت از دعاوی کهنه را ایجاب می‌کند (کاویانی، ۱۳۹۱: ۱۹۷).

۲. تفاوت مرور زمان و مهلت و موعد

بین مرور زمان و مهلت اختلاف وجود دارد (شمس، پیشین: ۱۶)؛ هر چند برخی از استادان مرور زمان و مهلت را یکسان می‌دانند و معتقدند در مورد برات و سفته و چک دو نوع مرور زمان وجود دارد: یکی مرور زمان به معنی حقیقی آنکه بعد از گذشتن مهلت مزبور، بدهکار می‌تواند به استناد حصول مرور زمان از پرداخت بدهی خود استتکاف کند و دیگری رعایت مواعیدی است برای انجام بعضی از تشریفات که عدم رعایت این مواعد موجب اسقاط حق دارنده برات علیه بعضی از مسئولین برات می‌گردد (ستوده تهرانی، پیشین: ۱۸۵). قدر مشترک هر سه اصطلاح این است که فرصت‌هایی هستند که سپری شدن آن‌ها، آثاری برای طرفین به همراه دارد اما این اصطلاح حقوقی با یکدیگر متفاوت هستند.

منظور از مرور زمان، سپری شدن مهلت‌هایی است که توسط قانون‌گذار پیش‌بینی شده است و در صورت ایراد خواننده، دادگاه به آن توجه می‌کند و باعث می‌شود دعاوی خواهان مردود اعلام شود؛

بنابراین، استناد دادگاه به مرور زمان، نیازمند ایراد خواننده دعواست.

منظور از مهلت، مدتی است که قانون‌گذار برای اقامه دعوا یا اقدام خاصی مثل اعتراض در نظر گرفته است؛^۱ بند ۴ ماده ۸۴ قانون آئین دادرسی مدنی که اشعار می‌دارد: «دعوا خارج از موعد قانونی اقامه شده باشد.» ناظر به رعایت مهلت است و نه موعد. رعایت این مهلت، از جمله قواعد آمره است که نیازی به ایراد خواننده ندارد. هر چند در ابتدای ماده ۸۴ گفته شده است که خواننده می‌تواند ضمن پاسخ نسبت به ماهیت دعوا ایراد کند، اما رویه قضایی عدم رعایت مهلت برای طرح دعوا را باعث رد دعوی خواهان می‌داند؛ بدون اینکه نیازی به ایراد خواننده باشد. برای نمونه، مهلت طرح دعوی اعتراض ثبتي و مهلت دعوی نفی ولد مهلت‌هایی برای طرح دعواست. طرح دعوا علیه ظهرنویس براساس ماده ۲۸۶ قانون تجارت، مهلت است^۲ و عدم اقدام باعث سقوط حق اقدام

۱. در حقوق فرانسه، مهلت اقامه دعوا که منتهی به سقوط حق اقدام می‌شود، «forclusion» یا «déchéance» نامیده می‌شود. مهم‌ترین تفاوت بین مهلت اقامه دعوا و مرور زمان، تکلیف قاضی به رد دعوی است که خارج از مهلت اقامه شده است و ضرورت ایراد خواننده به مرور زمان برای رد شدن دعوی خواهان است. بین تعریف مرور زمان در حقوق ایران و فرانسه تفاوتی وجود ندارد؛ در واقع حقوق ایران این نهاد را از حقوق فرانسه اقتباس کرده است. اما در حقوق فرانسه، مرور زمان به دو نوع «مرور زمان مُملک» و «مرور زمان مسقط حق» تقسیم‌بندی شده است. براساس ماده ۷۱۲ قانون مدنی فرانسه، مرور زمان مملک اجازه می‌دهد تا مالکیت مالی پس از دوره زمانی مشخصی به شخص انتقال یابد. برای نمونه، اگر شخصی در مال غیر منقولی به عنوان مالک عین در مدت ۳۰ سال تصرف کند، او می‌تواند ادعای مالکیت آن مال را داشته باشد. اما در مرور زمان مسقط حق، برابر ماده ۱۲۳۴ همان قانون پس از سپری شدن مدت زمانی مشخص، حق یا تعهد از بین می‌رود و قابلیت مطالبه نخواهد داشت. مرور زمان‌های تجاری از انواع مرور زمان مسقط حق هستند که پس از سپری شدن مدت‌هایی که قانون تجارت فرانسه پیش‌بینی کرده است، اصل حق از بین می‌رود. در ماده ۴-۱۱۰ قانون تجارت فرانسه، رژیم عمومی برای مرور زمان‌های تجاری در نظر گرفته است. برابر این ماده: «تعهداتی که از فعالیت‌های تجاری بین تجار و یا بین تجار و اشخاص غیرتاجر ایجاد شده‌اند، پس از سپری شدن ۵ سال، مشمول مرور زمان می‌شوند.» در حقوق تجارت اصولاً مرور زمان در مورد دعوی مربوط به پرداخت و مطالبات تجاری استفاده می‌شود. در واقع، پس از سپری شدن مدت‌های قانونی، اصل حق قابلیت مطالبه نخواهد داشت. برای مرور زمان‌های تجاری دو محدودیت قانونی در نظر گرفته شده است: یکی محدودیت‌های قراردادی است که به موجب آن اگر طرفین مهلت کمتر یا بیشتری برای مرور زمان در نظر گرفته باشند، دادگاه مقید به آن است و دوم محدودیت‌های قانونی است که طبق آن اگر قانون مهلتی متفاوت با رژیم عمومی مرور زمان (۵ سال) پیش‌بینی کرده باشد، دادگاه مقید به آن است. برای نمونه دعوی شرکتی ظرف ۳ سال از تاریخ حدوث علت آن قابلیت استماع دارد.

۲. در مورد مسئولیت ظهرنویسان و ضامنین در اسناد تجاری، قانونگذار به شرح مواد ۲۸۶ و ۲۸۷ قانون تجارت، مهلت یکسال و دو سال را برای طرح دعوا علیه ایشان در نظر گرفته است. با سپری شدن این مهلت‌ها، مسئولیت تضامنی ظهرنویس و ضامن وی مرتفع می‌شود. اما پس از سپری شدن این مهلت‌ها، تنها صادرکننده و ضامن او - در

می‌شود (شمس، پیشین: ۱۹).

منظور از مواعد، زمان‌هایی هستند که برای انجام برخی امور در نظر گرفته شده است و شامل مواعد قضایی و قانونی می‌شود. براساس ابتدای ماده ۴۴۲ قانون آئین دادرسی مدنی: «مواعدی را که قانون تعیین نکرده است، دادگاه معین خواهد کرد.» برای نمونه اعتراض به نظریه کارشناس و اعتراض به رأی دادگاه مواعدی هستند که قانون‌گذار مشخص کرده است و موعد اعلام نظر توسط کارشناس، از جمله مواعد قضایی است. مواعد از قواعد آمره محسوب می‌شود که نیاز به ایراد طرفین دعوا ندارد و پس از پایان آن، مرجع قضایی مکلف به اتخاذ تصمیم مقتضی است.

با این تعاریف، وجه تمایز مرور زمان، مهلت و مواعد مشخص می‌شود. آنچه وجه تمایز میان این سه مفهوم است، اراده خواننده دعواست؛ در مرور زمان، خواننده باید به ایراد مرور زمان استناد کند تا دادگاه به استناد آن اتخاذ تصمیم نماید (شمس، پیشین: ۱۵). اما سپری شدن مهلت و موعد، از جمله قواعد آمره محسوب می‌شود که اراده طرف ذی‌نفع تأثیری در ایجاد آثار آن نخواهد داشت و دادگاه‌ها باید رأساً به آن توجه کنند و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند. مرور زمان از قواعد آمره نیست که ممکن است معلق، قطع یا اسقاط شود (کاتوزیان، پیشین: ۵۵۱) یا با توافق طرفین کم یا زیاد شود اما موعد و مهلت، توافق‌پذیر نیست و توسط قانون‌گذار یا مقام قضایی تعیین می‌شود.

به تفاوت مرور زمان و موعد یا مهلت در رأی شماره ۹۹۰۹۹۸۸۸۴۹۱۰۰۴۹۹ مرجع تجدیدنظر اشاره شده است. در بخش انتهایی این رأی می‌خوانیم: «... به عنوان یک قاعده پذیرفته شده، قواعد مرور زمان از زمره مقررات شکلی بوده و بلافاصله پس از تصویب، عطف بماسبق می‌شود. بی‌تردید مقرر مرور زمان با مقرر مواعد، تمایز بنیادین داشته و اولی نمی‌تواند از حقوق مکتسب و ذاتی به حساب آید، در حالی که دومی از حقوق مکتسب است. و در صورت تغییر قانون، عطف بماسبق شدن به شرطی محقق است که تعارضی با حق مکتسب ایجاد نگردد. مرور زمان امری است کاملاً وابسته به نظر مقنن و بنا به مقتضیات و انتظارات اجتماعی طول آن در طول زمان تغییر خواهد کرد؛ دقیقاً همانند آنکه مقنن دادگاه‌های کیفری استان را حذف و به جای آن دادگاه کیفری یک ایجاد نماید. بدیهی است که قواعد راجع به دادگاه کیفری یک، فی‌الغور عطف بماسبق خواهد شد، چون اصولاً دادگاه کیفری استانی وجود ندارد تا قواعد آن جاری باشد. مرور زمان، قابل

صورت وجود ضامن - مسئولیت دارند. مسئولیت ایشان به مدت ۵ سال از تاریخ صدور اعتراض نامه و یا آخرین تعقیب قضایی ادامه پیدا می‌کند لکن پس از سپری شدن مهلت ۵ ساله، طرح دعوا علیه ایشان نیز قابلیت استماع ندارد. حتی این دین به عنوان یک دین مدنی علیه ایشان قابلیت مطالبه ندارد. آنچه در این مواد آمده است، مرور زمان تجاری نیست بلکه مهلت طرح دعواست.

قیاس با این موضوع است. نه موضوعی نظیر مواعد و اصولاً این مقرر بر خلاف مواعد از حقوق محسوب نمی‌گردد تا موضوع تراحم بین حق و موعد پیش آید.»

۳. مرور زمان در دعاوی مطالبه وجه چک

قانون تجارت ایران به تقلید از قانون تجارت فرانسه، مرور زمان را در ابواب مختلف خود آورده است و مبحث مجزایی در بخش اسناد تجاری با عنوان مرور زمان پیش‌بینی کرده است. در ماده ۳۱۸ قانون تجارت در خصوص مرور زمان اسناد تجاری می‌خوانیم: «دعاوی راجعه به برات و فته طلب و چک که از طرف تجار یا برای امور تجارتی صادر شده پس از انقضای پنج سال از تاریخ صدور اعتراض‌نامه و یا آخرین تعقیب قضایی در محاکم مسموع نخواهد بود؛ مگر این‌که در ظرف این مدت رسماً اقرار به دین شده باشد که در این صورت مبدأ مرور زمان از تاریخ اقرار محسوب است. در صورت عدم اعتراض، مدت مرور زمان از تاریخ انقضای مهلت اعتراض شروع می‌شود.»

قاعدتاً مرور زمان در خصوص همه اسناد تجاری موضوعیت دارد و خاص یک نوع سند نیست. براساس این ماده، مرور زمان‌های تجاری به قوت خود باقی است و آنچه منسوخ اعلام گردیده، مرور زمان دعاوی مدنی است. نظر شورای نگهبان در مورد نسخ مرور زمان، محدود به امور مدنی است و شامل ماده ۳۱۸ قانون تجارت نمی‌شود. در نتیجه، مرور زمان دعاوی تجاری همچنان پابرجا و قابل استناد است. استناد به مرور زمان براساس ماده ۳۱۸ شرایطی دارد و دادگاه نیز در مورد این شرایط، تصمیمات متفاوتی اتخاذ کرده‌اند که در ادامه بررسی می‌شود.

۳-۱. شرایط استناد به مرور زمان در مورد چک

برابر صدر ماده ۳۱۸ قانون تجارت، تمامی دعاوی مربوط به صدور اسناد تجاری و از جمله چک، مشمول مرور زمان می‌شود. منظور از تمامی دعاوی، آن مواردی است که مستقیماً از سند تجاری نشئت گرفته باشد؛ بنابراین دعاوی غیرمستقیم مشمول مرور زمان نمی‌شوند. مانند آن‌که اگر کسی بانکی را مأمور کرده باشد که محل برات را برساند، دعاوی بین بانک و آمر مشمول مرور زمان تجاری نمی‌شود (کاتوزیان، ۱۳۳۵: ۱۰۲). همچنین دعاوی کیفری مربوط به چک مشمول مرور زمان خاص ماده ۱۰۵ قانون مجازات اسلامی است و نه ۳۱۸. پس علی‌رغم اطلاق دعاوی مربوط به اسناد تجاری در صدر ماده مزبور، دعوائی مشمول مرور زمان اسناد تجاری می‌شود که به طور مستقیم و ناشی از امور مدنی باشد.

شرط بعدی استناد به مرور زمان این است که چک از طرف تجار یا برای امور تجارتی صادر

۱. در مواد ۱۰۱ و ۲۱۹ در باب شرکت‌های تجاری و ماده ۳۹۳ در باب قرارداد حمل و نقل.

شده باشد. برابر ماده ۳۱۴ قانون تجارت ۱۳۱۱: «صدور چک ولو اینکه از محلی به محل دیگر باشد ذاتاً عمل تجارتي محسوب نیست...» در واقع، این سند می‌تواند به تبع تاجر بودن یکی از طرفین یا صدور آن برای امور تجاری براساس بند یک ماده ۳ قانون تجارت، تجاری محسوب شود. علت این امر را می‌توان این‌گونه تبیین کرد که مرور زمان تجاری و وضع این قاعده برای تاجر، این مزیت را خواهد داشت که تاجر با دینی مواجه نشوند که مربوط به مدت زمانی طولانی بوده باشد. از طرف دیگر، مدیران شرکت‌های تجاری باید براساس ماده ۱۱۴ قانون اصلاحی شرکت‌های سهامی ۱۳۴۷ پس از پایان دوره عملکرد خود، مفاصاحساب دوره تصدی خود را ارائه کنند. در این مفاصاحساب باید مشخص شود که چه دینی هنوز پابرجاست و اگر مرور زمان تجاری بین تاجر قابل اعمال نباشد، تهیه و تنظیم این مفاصاحساب ممکن نیست.

اگر دلیلی بر تاجر بودن صادرکننده چک یا صدور چک جهت امور تجارتي ارائه نشود؛ صدور قرار عدم استماع دعوا به جهت گذشت ۵ سال (استناد به مرور زمان) از تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت یا آخرین تعقیب قضایی، فاقد وجاهت است. باید در نظر داشت که اصل بر تاجر نبودن اشخاص است و شخصی که مدعیست چک صادره در امور تجاری و از طرف تاجر صادر شده است، باید دلیل ارائه کند. در رأی شماره ۹۲۰۹۹۸۲۲۹۰۱۰۰۴۲۳ شعبه ۲۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران استدلال مشابهی را می‌بینیم. برابر این رأی:

«تجدیدنظرخواهی مطروحه از ناحیه آقای س. ح. به وکالت از تجدیدنظرخواه آقای ا. ... ک. به طرفیت تجدیدنظر خوانده آقای م. ب. و نسبت به دادنامه تجدیدنظرخواسته به شماره ۰۱۰۱۳۲۳ مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۳ شعبه اول محترم دادگاه عمومی حقوقی رباط کریم که بر صدور قرار عدم استماع دعوی بدوی تجدیدنظرخواه به خواسته مطالبه مبلغ ۹۴۰۰۰۰۰۰ ریال بابت وجه پنج فقره چک به شماره های ... لغایت ... و با احتساب هزینه دادرسی و تأخیر تأدیه و به استناد مقررات قانونی موضوع ماده ۳۱۸ قانون تجارت و به علت جری مرور زمان بیش از پنج ساله از تاریخ سررسید چک‌های مرقوم (همگی سال ۱۳۸۵) و عدم اقدام تعقیبی از ناحیه خواهان مذکور به عمل نیامده، اشعار داشته مالاً وارد و موجه بوده و دادنامه در وضعیت اصداری قابلیت و استعداد تأیید و استواری را نداشته و

۱. ماده ۱۱۴ قانون اصلاحی شرکت‌های سهامی ۱۳۴۷: «مدیران باید تعداد سهامی را که اساسنامه شرکت مقرر کرده است دارا باشند. این تعداد سهام نباید از تعداد سهامی که به موجب اساسنامه جهت دادن رای در مجامع عمومی لازم است کمتر باشد. این سهام برای تضمین خساراتی است که ممکن است از تقصیرات مدیران منفرداً یا مشترکاً بر شرکت وارد شود. سهام مذکور با اسم بوده و قابل انتقال نیست و مادام که مدیری مفاصاحساب دوره تصدی خود در شرکت را دریافت نداشته باشد سهام مذکور در صندوق شرکت به عنوان وثیقه باقی خواهد ماند.»

به علت مباینت با موازین و مقررات قانونی و محتویات و مستندات پرونده، مستلزم نقض می‌باشد. زیرا: با توجه به مقررات قانونی موضوع ماده ۳۱۸ قانون تجارت دعاوی راجع به برات، سفته (فته‌طلب) و چک که از سوی تاجر یا برای امور تجاری صادر شده باشد پس از انقضای پنج سال از تاریخ صدور اعتراض نامه (که در مورد چک با گواهی نامه عدم پرداختی صورت می‌پذیرد) و یا آخرین تعقیب قضائی در محاکم مسموع نخواهد بود و این در حالی است که در محتویات پرونده دلیلی بر تاجر بودن طرفین صحابه دعوی و یا صدور آن‌ها بابت امر تجاری وجود نداشته لهذا موضوع دعوی بدوی از منطوق و مفهوم مقررات قانونی پیش گفته تخصیصاً و تخصصاً خروج موضوعی داشته و صرف نظر از اظهارات بلا دلیل و بلا اثر وکیل تجدیدنظرخواه در لایحه اعتراضیه و از حیث ملغی گردیدن مقررات قانونی موضوع ماده ۳۱۸ قانون صدر الذکر که معلوم نمی‌باشد بر چه اساسی اعلام شده و انگیزه خروج موضوعی مقررات یاد شده از موضوع دعوی بدوی بناء علی‌هذا و با عنایت به مراتب معنونه مبینه مارالذکر، دادگاه با قبول و پذیرش تجدیدنظرخواهی مطروحه مستنداً به ماده ۳۵۳ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و رعایت ماده ۳۵۶ ناظر به مواد ۲، ۳ قانون پیش گفته و ماده ۳۱۸ قانون تجارت ضمن نقض دادنامه تجدیدنظرخواسته، در نتیجه رسیدگی دقیق و صحیح ماهوی نسبت به دعوی مرقوم و توسط مرجع محترم بدوی را مقرر و به آن منظور پرونده امر عیناً به آن مرجع اعاده می‌گردد. رای دادگاه قطعی است.»^۱

در فرضی که هر دو طرف تاجر باشند یا چک برای امور تجارتي صادر شده باشد، قطعاً مرور زمان قابل استناد است اما اگر اسناد تجاری مذکور در ماده ۳۱۸ قانون تجارت، بین اشخاص غیرتاجر صادر شده باشد، ایراد مرور زمان قابل استماع نیست. در حالتی که خواهان تاجر و خواننده دعوا شخصی غیرتاجر باشد یا خواهان غیرتاجر و خواننده تاجر باشد، ایراد مرور زمان اساساً قابل طرح نخواهد بود؛ چرا که مرور زمان امری خلاف اصل است و باید به قدر متیقن که همان دعوای بین تاجر است، بسنده شود؛ در واقع، شرط استناد به مرور زمان، تاجر بودن هر دو طرف دعواست. باید دانست مرور زمان‌های تجاری در قانون پیش‌بینی شده است؛ بنابراین در هر مورد باید استناد به مرور زمان، مستند به ماده‌ای خاص در قانون تجارت باشد. در غیر از این موارد، امکان استناد به مرور زمان نیست. مهلت‌هایی که در قانون پیش‌بینی شده است، از جمله قواعد تکمیلی است؛ طرفین قرارداد می‌توانند مهلت‌هایی کمتر یا بیشتر برای حکومت قواعد مرور زمان در نظر بگیرند. مبدأ مرور زمان‌های تجاری در قوانین پیش‌بینی شده است اما برخی عوامل، قاطع مرور زمان‌های

1. <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/26112>

تجاری هستند؛ عوامل قاطع مرور زمان باعث می‌شود که مرور زمان طولانی‌تر شود. از جمله عوامل قاطع مرور زمان می‌توان به قوه قاهره و عوامل خارج از اراده طرفین اشاره کرد. براساس ماده ۳۱۸ قانون تجارت، اقرار به دین نیز از عوامل قاطع مرور زمان تجاری است. حکم مرور زمان در حق کسانی که تحت ولایت یا قیمومیت هستند، مثل مجنون و صغیر و سفیه جاری نمی‌شود و مرور زمان از تاریخ عقل، بلوغ یا رشد آنان شروع خواهد شد. مرور زمان مذکور در ماده ۳۱۸ جنبه شخصی دارد. بنابراین طرفین نمی‌توانند به مرور زمان ایجاد یا ساقط شده به نفع یا ضرر دیگری استناد کنند.

۳-۲. استناد به مرور زمان و آثار آن

در موردی که شرایط اعمال ماده ۳۱۸ قانون تجارت ۱۳۱۱ فراهم باشد، ایراد مرور زمان قابل استناد است. اما دادگاه‌ها در مواجهه با این ایراد دو رویه متفاوت دارند. برخی معتقدند ایراد مرور زمان باعث می‌شود سند تجاری صرفاً وصف تجاری خود را از دست دهد و به عنوان سندی عادی قابل مطالبه است اما در مقابل برخی دیگر معتقدند که این ایراد باعث می‌شود سند تجاری اساساً قابل مطالبه نباشد. برابر دادنامه شماره ۱۳۹۳/۱۲/۲۶ شعبه ۱۳۰۹۹۸۰۲۱۰۴۰۰۲۴۱ شعبه ۳۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران: «راجع به تجدیدنظرخواهی آقای الف. م. به طرفیت آقای ح. ر. نسبت به دادنامه شماره ۰۱۴۱۱ مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۲۶ شعبه ۱۸۷ دادگاه عمومی حقوقی تهران که به موجب آن در مورد دعوی تجدیدنظرخواه مبنی بر مطالبه وجه دو فقره چک به شرح دادخواست جمعاً به مبلغ ۲۳۰۰۰۰۰۰ ریال به انضمام خسارت تأخیر تأدیه قرار رد دعوی به جهت شمول مرور زمان موضوع ماده ۳۱۸ قانون تجارت صادر شده است. دادگاه با توجه به اینکه اعمال مقررات موضوع ماده اخیرالذکر، مانع رسیدگی دادگاه بدوی به خواسته خواهان بدوی تحت عنوان سند عادی نبوده و دارنده سند صرفاً از مزایای قانونی مندرج در قانون تجارت محروم بوده، بنابراین با پذیرش تجدیدنظرخواهی مستنداً به ماده ۳۵۳ قانون آئین دادرسی مدنی ضمن نقض قرار تجدیدنظرخواسته پرونده جهت رسیدگی ماهیتی به دادگاه بدوی اعاده می‌شود. این رای قطعی است.»^۱

این دادنامه از نظر نخست تبعیت کرده است. شمول مرور زمان باعث می‌شود سند تجاری صرفاً وصف تجاری خود را از دست بدهد و به عنوان سند مدنی قابل مطالبه باشد. در واقع، مرور زمان چک منجر به سقوط حق دارنده نمی‌شود و تنها باعث می‌شود این سند فاقد وصف تجاری باشد. فلسفه مرور زمان تجاری، اعراض از حق نیست بلکه رعایت نظم عمومی است. این نظم توسط قانون‌گذار طراحی شده است تا دارنده سند تجاری برای طرح دعوا علیه مسئولان فرعی و مسئول اصلی براساس قانون اقدام کند و عدم اقدام او منجر به این می‌شود که سند مزبور از مزایای خاص

1. <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/26085>

سند تجاری بی بهره باشد.

در دادنامه شماره ۳۵۳/۰۰۲۲۵۰۰۹۹۷۰۹۲۰ شعبه ۵ دادگاه عمومی تهران استدلال مشابهی را می بینیم. براساس این دادنامه: «در خصوص دعوی آقای س.م. به وکالت از آقای ف.ر. فرزندان. به طرفیت آقای ح.ق. فرزندان. با وکالت آقای ح.ق. به خواسته مطالبه مبلغ ۱۱۸/۶۰۰/۰۰۰ ریال وجه دو فقره چک به شماره... به مبلغ ۶۳/۶۰۰/۰۰۰ ریال و ۸۱/۲/۲۰-۹۸۷۷۱۱ به مبلغ ۵۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال عهده جاری شماره... بانک تجارت شعبه... با احتساب خسارات دادرسی به شرح متن دادخواست تسلیمی با عنایت به اینکه وجود مستندات دعوی در ید خواهان ظهور در اشتغال ذمه خوانده دارد و نظر به اینکه دعوی مطروح و مستندات آن ناظر به اصل خواسته و هزینه دادرسی مصون از تعرض مؤثر خوانده باقیمانده است و با توجه به اینکه وکیل خوانده بیان نموده که موکلش پس از برگشت شدن چکها متوجه وجود این دو فقره چک گردیده است و اقدام خواهان به برگشت آنها قریب به ۱۰ سال پس از تاریخ صدور مضمول قاعده اقدام بوده و موجبی برای مطالبه خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ سررسید چک در سال ۱۳۸۰ تا تاریخ برگشت آن در سال ۱۳۹۰ وجود ندارد، مضافاً آنکه بر فرض پذیرش مرور زمان چک به عنوان سند تجاری قابل استناد نبوده بلکه به عنوان سند عادی قابلیت استناد دارد بنا به مراتب دعوی خواهان ناظر به اصل خواسته و هزینه دادرسی مقرون به واقع تشخیص و با استناد به مواد ۱۹۸، ۵۰۲، ۵۱۲، ۵۱۵، ۵۱۹، قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی و مواد ۳۱۰ و ۳۱۳ قانون تجارت و مقررات ماده ۳۱۸ قانون مذکور ضمن صدور حکم به بطلان دعوی مطالبه خسارت تأخیر تأدیه، رأی بر محکومیت خوانده به پرداخت مبلغ یکصد و هجده میلیون و ششصد هزار ریال بابت اصل خواسته و پرداخت مبلغ شش میلیون و چهار صد و سی و هفت هزار و چهار صد ریال بابت هزینه دادرسی و حق الوکاله وکیل در حق خواهان صادر می نماید. رأی صادره حضوری و ظرف بیست روز از ابلاغ قابل تجدیدنظر نزد دادگاه تجدیدنظر استان تهران است.»^۱

هیئت عالی نشست های قضایی در پاسخ به سوالی از طرف قضات دادگستری شهرستان خلخال^۲ در مورد مسئولیت مدنی دارندگان حق امضاء در یک شرکت خصوصی در پرونده مطالبه

1. <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/4536>

۲ متن سوال از این قرار است: «در یک پرونده حقوقی خواهان به طرفیت یک شرکت خصوصی به همراه مدیرعامل و رئیس هیات مدیره که دارندگان حق امضاء می باشند به خواسته مطالبه وجه یک فقره چک اقامه دعوی نموده است. با توجه به اینکه سررسید چک سال ۱۳۸۵ بوده و در سال ۱۳۸۹ دارنده چک اقدام به اخذ گواهینامه عدم پرداخت نموده و در سال ۱۳۹۵ اقامه دعوی نموده است، با رعایت مواد مربوطه در قانون تجارت و قانون صدور چک و قانون مدنی و خصوصاً با رعایت ماده ۳۱۸ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ شبهات ذیل چه پاسخی در بردارد: ۱- آیا دعوی قابلیت

وجه چک به شماره ۵۶۵۹-۱۳۹۸ چنین اشعار داشته است: «با توجه به مواد ۳۱۸ و ۳۱۹ قانون تجارت، وصف تجاری چک در فرض سوال منتفی شده و مشمول مرور زمان گردیده است؛ بنابراین وجه چک را صرفاً بر مبنای قواعد مسئولیت مدنی قراردادی می‌توان مطالبه نمود و به عنوان یک دعوی مدنی قابلیت استماع و رسیدگی دارد.» همچنین طی نظری دیگر به شماره ۸۴۵۹-۱۴۰۰ هیئت عالی چنین اشعار داشته است: «اظهار نظر شورای محترم نگهبان در مورد مرور زمان ناظر بر قانون آیین دادرسی مدنی است و اعتبار ماده ۳۱۸ قانون تجارت همچنان به قوت خود باقی است به طوری که با گذشت ۵ سال، سند تجاری وصف تجاری خود را از دست داده و صرفاً یک طلب مدنی (سند عادی) محسوب می‌شود.»

براساس این نظر، در صورت شمول مرور زمان نسبت به چک با حصول شرایط مقرر در ماده ۳۱۸، سند مزبور به عنوان یک سند مدنی قابل مطالبه خواهد بود. این مسئله در نشست قضایی شهر گنبدکاووس در تاریخ ۱۴۰۱/۱۰/۱۵ مطرح شده است: «با عنایت به ماده ۳۱۸ قانون تجارت که مرور زمان را برای اسناد تجاری پیش بینی نموده است و نیز با توجه به تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون صدور چک؛ بیان فرمائید آیا بین چک‌هایی که بین تجار و یا برای امور تجاری صادر می‌شود با سایر چک‌ها یعنی چک‌هایی که بین تجار یا برای امور تجاری صادر نمی‌گردد، از حیث مقررات مربوط به مرور زمان و شیوه محاسبه خسارت تأخیر تأدیه، تفاوتی وجود دارد؟» اکثریت قضات آن شهرستان چنین پاسخ داده‌اند: «مقنن در ماده ۱ قانون تجارت تاجر را تعرف نموده است و بیان داشته تاجر کسی است که شغل معمول خود را معاملات تجاری قرار دهد و در ماده ۳ از همان قانون مصادیق معاملات تجاری ذکر و محصور شده است، شرکت‌های تجاری در ماده ۲۰ این قانون ذکر گردیده است؛ با این بیان محدوده‌ی عملیات تجاری و امور تجاری و نیز اشخاص تاجر از طریق این ضابطه قابلیت تشخیص و تمییز را دارد؛ با این وصف در ماده ۳۱۸ از قانون تجارت، باید در بحث مرور زمان اسناد تجاری بین دو حالت تفاوت قائل شد: حالت اول) اگر چک تجاری بین تجار یا برای امور تجاری صادر شده باشد؛ که در این حالت چنانچه ظرف ۵ سال از تاریخ صدور گواهی‌نامه عدم پرداخت برای مطالبه چک دعوی مقتضی مطرح نشود، مرور زمان در اسناد تجاری جاری می‌گردد و لذا سند مزبور از مصادیق اسناد تجاری محسوب نمی‌شود و به مانند یک سند عادی از سوی دارنده قابلیت اقدام را دارد و اثر این امر این است که خسارت تأخیر تأدیه این سند مطابق با

استماع دارد؟ ۲- در صورت قابلیت استماع توجهاً به اینکه دارندگان حق امضا در حال حاضر سمتی ندارند و با فرض محق بودن خواهان آیا می‌توان حکم بر محکومیت آنها صادر نمود؟ یا حکم فقط علیه شرکت صادر خواهد شد؟»

ماده ۵۲۲ از قانون آیین دادرسی مدنی یعنی از تاریخ مطالبه تعیین می‌شود؛ بدیهی است این تفسیر با اصل سرعت در روابط تجاری نیز تطبیق دارد چراکه اصل سرعت در کنار اصل امنیت؛ تضمین‌کننده روابط تجاری سالم در سطح یک جامعه و ضامن نظم عمومی اقتصادی می‌باشد؛ لازم به ذکر است در این موارد اصل بر تاجر نبودن افراد است و مدعی تاجر بودن؛ یعنی کسی که خلاف اصل و ظاهر ادعا می‌نماید باید با تمسک به ادله اثباتی، ادعای خویش را به اثبات برساند. حالت دوم) اگر چک بین اشخاص عادی صادر شده باشد: در این فرض چون موضوع از مصادیق ماده ۳۱۸ قانون تجارت خارج است؛ بحث مرور زمان سالبه به انتفاء موضوع است؛ یعنی چون موضوع بین تاجر و یا برای امور تجاری نیست؛ قواعد مرور زمان جاری نمی‌باشد و لذا خسارت تاخیر تادیه مطابق با تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون صدور چک و از تاریخ سررسید چک تعیین می‌شود.»

برخی محاکم ظاهراً با شمول مرور زمان تجاری چک را حتی به عنوان سندی عادی قابل مطالبه نمی‌دانند. برای نمونه در رأی شعبه ۱۲۹ دادگاه عمومی حقوقی تهران می‌خوانیم:

«در خصوص دعوی آقای م.پ. به وکالت از ب. به طرفیت ۱- شرکت ص. ۲- آقای ح.ق. دایر بر مطالبه وجه یک فقره چک عهده بانک ت. شعبه ... به شماره ۳۰۴۶۰۵-۸۲/۷/۱-۳۰۴۶۰۵ به مبلغ ۷۸۷/۵۰۰/۰۰۰ ریال با احتساب خسارات دادرسی و تأخیر تأدیه؛ دادگاه نظر به اینکه صاحب حساب چک، شرکت خواننده ردیف اول بوده که به امضای مدیرعامل شرکت (خواننده ردیف دوم) صادر گردیده است و در نتیجه مسئولیت خواننده ردیف دوم تبعی محسوب و مشاژالیه از حساب شخصی خود چک را صادر نموده و میان شخصیت حقوقی افراد با شخصیت حقیقی ایشان مغایرت وجود دارد و با توجه به این که چک در وجه مؤسسه مالی و اعتباری بنیاد صادر گردیده که بانک خواهان جانشین قانونی آن می‌باشد. لذا به لحاظ شخصیت خاص و حقوقی صادرکننده و گیرنده چک که هر دو مصداق تاجر محسوب و چک در راستای امور تجاری صادر گردیده است. لذا با توجه به تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت که ۱۳۸۲/۷/۳ می‌باشد و تاریخ تقدیم دادخواست که ۱۳۹۰/۹/۲۰ می‌باشد بنابراین مشمول مرور زمان ۵ ساله مذکور در ماده ۳۱۸ قانون تجارت گردیده و مستنداً به مواد ۱ و ۲ و ۳۱۸ قانون مارالذکر و ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی قرار رد دعوی صادر و اعلام می‌نماید. رأی صادره حضوری و ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در محاکم تجدیدنظر استان تهران می‌باشد.»

نسبت به این رأی اعتراض شده است و شعبه ۴۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران طی دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۴۴۰۱۵۶۴ دادنامه بدوی را چنین تأیید کرده است: «تجدیدنظرخواهی ب. با وکالت آقای م.پ. به طرفیت ۱- ش. ۲- آقای ح.ق. نسبت به دادنامه شماره ۰۰۵۱۲ مورخ ۱۳۹۱/۵/۲ صادره

از شعبه ۱۲۹ دادگاه عمومی حقوقی تهران که براساس آن قرار رد دعوی تجدیدنظرخواه به خواسته مطالبه وجه چک عهده بانک ت. شعبه ... به شماره ۳۰۴۶۰۵-۱۳۸۲/۷/۱ در اجرای مقررات ماده ۳۱۸ قانون تجارت صادرگردیده وارد و موجه نمی باشد. زیرا دادنامه تجدیدنظرخواسته وفق مقررات و بر اساس محتویات پرونده صادر شده و از ناحیه آقای وکیل تجدیدنظرخواه علل و جهات موجهی که موجبات نقض و از هم گسیختن دادنامه تجدیدنظرخواسته را فراهم نماید ابراز و اقامه نشده است. براین اساس تجدیدنظرخواهی خارج از شقوق مندرج در ماده ۳۴۸ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی تشخیص با استناد به صدر ماده ۳۵۳ همان قانون با رد تجدیدنظرخواهی دادنامه تجدیدنظرخواسته تأیید می شود. رأی صادره قطعی است.»

رأی شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۱۵۰۰۴۶۶ شعبه ۱۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران از همین نظر تبعیت کرده است:

«تجدیدنظرخواهی آقای م.ح. به طرفیت آقای م.الف. نسبت به دادنامه شماره ۱۳۶۴ مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۲۲ شعبه ۱۲۳ دادگاه عمومی تهران که به موجب آن دعوی تجدیدنظرخواهان به خواسته مطالبه وجه سه فقره چک جمعاً به مبلغ ۹۰/۰۰۰/۵۰۰ ریال به شماره های ۰۳۶۱۲۱ مورخ ۱۳۷۸/۴/۲۲ و ۰۳۶۱۲۲-۰۳۶۱۲۲/۵/۱۲ و ۷۸/۴/۱۳-۲۳۰۵۹۲ به دلیل شغل تجدیدنظرخواهان و مشمول مرور زمان قرار گرفتن موضوع ماده ۳۱۸ قانون تجارت با صدور قرار عدم استماع مورد اجابت قرار نگرفته صورت پذیرفته است. برخلاف اظهارات تجدیدنظرخواهان وی به عنوان تاجر پارچه در بازار فعالیت می نماید و تاریخ چک ها نیز مربوط به بیش از پنج سال می باشد این دادگاه رأی معترض عنه را خالی از ایراد مؤثر دانسته و اعتراض را بلاوجه می داند با رد آن مستنداً به ماده ۳۵۳ قانون آیین دادرسی مدنی دادنامه موصوف را تأیید می نماید. این رأی قطعی است.»

۳-۳. مطالبه چک براساس نظریه استفاده بلاجهت

طبق ماده ۳۱۹ قانون تجارت: «اگر وجه برات یا فته طلب یا چک را نتوان به واسطه حصول مرور زمان پنج سال مطالبه کرد، دارنده برات یا فته طلب یا چک می تواند تا حصول مرور زمان اموال منقوله وجه آن را از کسی که به ضرر او استفاده بلاجهت کرده است، مطالبه نماید.» برابر این ماده، شمول مرور زمان نسبت به اسناد تجاری باعث از بین رفتن حق دارنده نمی شود. در واقع، دارنده می تواند تا زمانی که برای مرور زمان اموال منقول وجود داشته است، به استفاده کننده بلاجهت مراجعه کند. در تعریف استفاده بلاجهت گفته اند که شخصی بدون سبب به زیان دیگری دارا شود (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۵: ۵۵). در سند تجاری شخصی که استفاده بلاجهت کرده است در هر مورد متفاوت است. اگر رابطه بین صادرکننده و دارنده باشد، قاعدتاً صادرکننده استفاده بلاجهت کرده است. اما

در صورت انتقال از طریق ظهرنویسی، دارنده نمی‌تواند به صادرکننده مراجعه کند و با توجه به عادی بودن سند پس از حصول مرور زمان، فقط می‌تواند علیه کسی که چک را به او انتقال داده است، رجوع نماید. رأی وحدت رویه شماره ۶۲۳ مورخ ۱۳۴۵/۰۴/۲۰ در این زمینه چنین اشعار می‌دارد: «مرور زمان دعاوی راجع به برات و چک و فته‌طلب که از طرف تجار یا برای امور تجاری صادر شده است، طبق ماده ۳۱۸ قانون تجارت پنج سال از تاریخ اعتراض‌نامه و در صورت عدم اعتراض از تاریخ انقضاء این مدت دعاوی مذکور در محاکم مسموع نخواهد بود ولی به حکم ماده ۳۱۹ آن قانون، دارنده اسناد فوق‌الذکر (اعم از این که آن اسناد در وجه یا به حواله کرد او صادر شده یا به نحوی از انحاء قانونی به او منتقل یا بر اثر پرداخت وجه آن اسناد در اختیارش قرار گرفته باشد) می‌تواند تا حصول مرور زمان اموال منقول وجه آن را از کسی که عهده‌دار پرداخت وجه آن اسناد بوده یا به طریق دیگر وجه آن اسناد را دریافت کرده که می‌بایستی به صاحبش رد نموده باشد به علت عدم پرداخت من غیرحق به ضرر دارند منتفع شده باشد مطالبه کند. این رأی طبق قانون وحدت رویه قضایی برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم‌الاتباع است و جز از این طریق قانون یا رأی دیگر هیئت عمومی قابل تغییر نخواهد بود.» نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه به شماره ۲۶۰۱/۹۶/۷ مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۳۰ در این زمینه جالب توجه است: «با توجه به اینکه در فرض سوال^۱ دارنده چک پس از انقضاء مهلت‌های مقرر در مواد ۳۱۸ و ۳۱۹ قانون تجارت اقدام به طرح دعوا کرده است لذا دعاوی مذکور از شمول قانون تجارت خارج بوده و از آنجا که دارنده مذکور، رابطه حقوقی با صادرکننده ندارد، نمی‌تواند به طرفیت وی اقامه دعوا کند و صرفاً می‌تواند به طرفیت کسی که رابطه حقوقی با وی داشته بر اساس مقررات قانون مدنی اقدام نماید.» براساس رأی شماره ۴۱۷۳ مورخ ۱۳۳۸/۰۸/۲۶ شعبه ۸ دیوان عالی کشور، فرد بارز استفاده بلاجهت آن است که مدیون بدون جهت قانونی از ادای دین استنکاف نماید. گفتنی است ظهرنویس استفاده‌کننده بلاجهت نیست؛

۱. سوالی که پرسیده شده است به این شرح است: «با توجه به مرور زمان حاکم بر دعاوی مربوط به اسناد تجاری مذکور در مواد ۳۱۸ و ۳۱۹ از قانون تجارت اولاً چنانچه چکی در سال ۱۳۷۵ صادر و در همان سال به لحاظ عدم فقدان موجودی منتهی به صدور گواهی عدم پرداخت گردیده باشد و از طرفی چک موصوف از طریق ظهرنویسی و به صورت حامل و یا قبض و اقباض صرف و بودن امضاء ظهرنویس به دارنده منتقل گردیده باشد و دارنده فاقد هر گونه رابطه حقوقی با صادرکننده باشد آیا دعوی دارنده علیه صادرکننده موصوف و با این دفاع که قادر به شناسایی ظهرنویس قبلی که با وی رابطه حقوقی دارد و وجه چک را به ضرر او استفاده بلاجهت کرده است نمی‌باشد قابلیت استماع قانونی دارد یا خیر؟ یا آنکه دعوی دارنده علیه صادرکننده با توجه به نظریه شماره ۷۲۵۷-۶۱/۱۱/۲۷ شورای محترم نگهبان در هر حال قابلیت استماع قانونی دارد یا خیر؟»

چون اساساً مسئولیت ظهنویس ظرف یکسال از تاریخ صدور است و در زمان حصول مرور زمان ۵ ساله، اساساً او مسئولیتی ندارد تا استفاده‌کننده بلاجهت شود (کاتوزیان، ۱۳۳۵: ۱۰۲). برخی معتقدند در مورد استفاده بلاجهت، باید دعوا اساساً به عنوان استفاده بلاجهت - و نه مطالبه وجه - طرح شود (دمرچیلی و دیگران، ۱۳۸۰: ۶۷۷).

باید دانست مرور زمان مدنی به موجب نظریه شماره ۷۲۵۷ مورخ ۱۳۶۷/۱۱/۲۷ شورای نگهبان قانون اساسی منسوخ اعلام شده است. برابر این نظر: «مواد ۷۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی به بعد در مورد مرور زمان در جلسه فقهای شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت و به نظر اکثریت فقهای شورا، مواد مزبور که مقرر می‌دارد پس از گذشتن مدتی (ده سال - بیست سال - سه سال - یک سال و غیره) دعوی در دادگاه شنیده نمی‌شود، مخالف با موازین شرع تشخیص داده شد.» بنابراین، در حاکمیت مقررات فعلی، در هر زمانی وجه سند علیه استفاده‌کننده بلاجهت قابل مطالبه است.

نتیجه

مرور زمان تجاری یکی از اصول مهم در حقوق تجارت است که به منظور ایجاد ثبات و امنیت در روابط تجاری طراحی شده است. مرور زمان تجاری نه تنها به حفظ نظم و انضباط در روابط تجاری کمک می‌کند، بلکه از بروز اختلافات طولانی مدت و بی‌پایان جلوگیری کرده و به طرفین این امکان را می‌دهد که با اطمینان بیشتری به فعالیت‌های تجاری خود ادامه دهند. بنابراین، مرور زمان تجاری به عنوان یک ابزار قانونی، نقش بسزایی در تسهیل تجارت و کاهش خطرات پیش‌بینی نشده مرتبط با دعاوی حقوقی ایفا می‌کند و به ایجاد یک محیط تجاری پایدار و قابل پیش‌بینی کمک می‌نماید. اکثر محاکم و اداره حقوقی قوه قضائیه با وجود نسخ مرور زمان مدنی توسط شورای نگهبان قانون اساسی، مرور زمان تجاری را قابل اجرا دانسته‌اند. مواد ۳۱۸ و ۳۱۹ قانون تجارت ۱۳۱۱ در مورد مرور زمان حاوی قواعد کلی و مبهمی^۱ است که باعث اختلاف نظر بین محاکم در مورد نحوه اجرای آن شده است. مرور زمان تجاری بر مبنای حفظ نظم عمومی استوار است اما باعث سقوط حق دارنده نمی‌شود. چنانچه دعوای چک بین تجار یا ناشی از امور تجاری باشد و مدت ۵ سال از آن سپری شود، چک به عنوان سند تجاری قابل مطالبه نیست و صرفاً به عنوان سندی عادی و علیه استفاده‌کننده بلاجهت قابلیت مطالبه دارد.

۱. از جمله اینکه این چه اسنادی مشمول این مقررات هستند؟ آیا استناد به مرور زمان باعث سقوط دین می‌شود؟ آیا وجه سند تجاری از صادرکننده قابل مطالبه است؟

منابع

فارسی

- احمد دیلمی. (۱۳۸۴). بررسی فقهی حقوقی مرور زمان، قم: بوستان کتاب.
- اسکینی، ربیعا. (۱۳۹۴). حقوق تجارت تطبیقی، چاپ سوم، تهران، مجد.
- درمچیلی، محمد، علی حاتمی، محسن قرائی. (۱۳۸۰). قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی، چاپ هشتم، تهران: میثاق عدالت.
- ستوده تهرانی، حسن. (۱۳۸۶). حقوق تجارت، جلد سوم، چاپ یازدهم، تهران: دادگستر.
- شمس، عبدالله. (۱۳۸۷). آیین دادرسی مدنی، دوره پیشرفته، جلد سوم، چاپ چهاردهم، تهران: دراک.
- شهیدی، مهدی. (۱۳۸۶). سقوط تعهدات، تهران: مجد.
- صفایی، سید حسین، رحیمی، حبیب الله. (۱۳۹۸). حقوق مدنی: مسئولیت مدنی، تهران: سمت.
- صقری، محمد. (۱۳۹۴). حقوق بازرگانی: اسناد، جلد اول، چاپ سوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- عبدی پور فرد، ابراهیم. (۱۳۹۶). مباحثی تحلیلی از حقوق تجارت، چاپ هفتم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- عرفانی، محمود. (۱۳۹۵). مجموعه کامل محشای قانون تجارت ایران، تهران: جاودانه.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۳). نظریه عمومی تعهدات، تهران: میزان.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۳۵). مرور زمان اسناد تجاری، مجله کانون وکلا، شماره ۴۷.
- کاویانی، کورش. (۱۳۹۱). حقوق اسناد تجاری، چاپ چهارم، تهران: نشر میزان.